

همگان و برای عموم مردم نه تنها ممکن، بلکه لازم می‌دانند.

□ اگر فهم قرآن منحصراً در اختیار اهل بیت (ع) است، چرا قرآن همگان را به تدبر در آیات دعوت می‌کند؟

گروهی از اخباریان با استناد به برخی روایات غیرمعتبر، معتقد بودند که آیات قرآنی و احادیث نبوی (ص) رمزگونه و معما هستند و جز مخاطبان اصلی (حضرات معصومین علیهم‌السلام) آن را نمی‌فهمند. قرآن از قبیل محاورات عرفی نیست تا مقصود گوینده از آن، برای عموم مردم قابل فهم باشد. بنابراین، استنباط احکام نظری از ظواهر آیات قرآن بدون روایات نبوی (ص) و روایات امامان (علیهم‌السلام) جایز نیست.

محدث استرآبادی که از پایه‌گذاران شیوه اخباری‌گری است، می‌گوید: «...»

چرا قرآن همگان را به تدبر در آیات دعوت می‌کند؟

پرسش و پاسخ‌های دینی

ان القرآن فی الاكثر ورد علی وجه التعمية و بالنسبة الی اذهان الرعيه و كذلك كثير من السنن النبويه و انه لا سبيل لنا فيما لا نعلمه من الاحكام النظرية الشرعية، اصلية كانت او فرعية الا السماع من الصادقين علیهما السلام و انه لا يجوز استنباط الاحكام النظرية من ظواهر كتاب الله و لا ظواهر السنن النبويه ما لم يعلم احوالهما من و جهة اهل الذكر علیهم السلام بل يجب التوقف و الاحتياط فیهما...» (الفوائد المدنیة/ ۴۷-۴۸):

آن‌ها فهم قرآن را منحصراً به معصومین (علیهم‌السلام) می‌دانند و باب ادراک آن را بر روی دیگران مسدود می‌پندارند. برخی از دلایل آنان عبارت‌اند از: السف) اخباری که تفسیر به رأی را نکوهش می‌کنند.

اشاره

آیا اجازه تدبر در آیات قرآن ویژه معصومان است یا مردم عادی نیز می‌توانند در آن تدبر کنند؟

در این مورد، اخباریان با استناد به برخی از روایات نامعتبر، مسدود بودن باب ادراک و تدبر در قرآن را مطرح می‌کنند. به هر حال، این موضوع سؤال مهمی است که باید پاسخ داده شود. در سطور پیش‌رو، نظر آیت‌الله جوادی آملی را در این باره برای شما می‌آوریم. ایشان باب فهم و تدبر در آیات الهی را، با استناد به آیات قرآن و روایت معصومان علیهم‌السلام، بر



ب) روایت «لیس شیء ابعده من عقول الرجال من تفسیر القرآن» (بحار/۸۹/۹۱) که تفسیر قرآن را مقدور عقل بشر عادی نمی‌داند. پس باید در تفسیر آن فقط از معصوم استفاده کرد.

ج) سخن **امام صادق** (علیه‌السلام) به **ابوحنیفه** که مدعی مقام افتاء و معرفت حقیقی قرآن بود: «یا ابا حنیفة! لقد ادعیت علماً، و یلک ما جعل الله ذلک الا عند اهل الکتب الذین انزل علیهم و یلک و لا هو الا عند الخاص من ذریة نبینا محمد (صلی الله علیه و آله) و ما ورتک الله من کتابه حرفاً» (وسائل الشیعه/۳۰/۱۸).

د) سخن **امام محمدباقر** (علیه‌السلام) به **قتاده** فقیه اهل بصره: «... بلغنی انک تفسر القرآن؟ قال له قتاده: نعم. قال: یا قتاده ان کنت انما فسرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلک و اهلک و ان کنت قد فسرتہ من الرجال فقد هلکت و اهلکت. و یحک یا قتاده! انما یعرف القرآن من خطوب به» (همان/۱۳۶/۱). در برخی از جوامع روایی ادعا شده است که این‌گونه روایات متواتر و دلالت آن قطعی است (وسائل الشیعه/۱۵۲/۱۸).

پاسخ شبهه اخباریان درباره حجیت ظواهر قرآن کریم، به وسیله عالمانی بزرگ همچون مرحوم **وحید بهبهانی**، **میرزای قمی** و **شیخ انصاری** به تفصیل پاسخ داده شده است. مرحوم **محقق قمی** می‌گوید: این روایات (که اخباریان انحصار فهم قرآن به معصومین (ع) را از آن فهمیده‌اند) ظاهر یا صریح است که مراد علم به همه (ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل) قرآن است و این امری مسلم و مورد قبول است.

اگر چنین مدعایی در اخبار صریح و صحیح نیز آمده باشد، یا باید آن را توجیه کرد و یا علم آن را به اهلش وا گذاشت، لیکن چنین اخباری نیست (قوانین الاصول/۳۹۷/۱ با تصرف). معصومین (علیهم‌السلام) هرگز اصل فهم قرآن را به خود منحصر نساختند و باب فهم آن را روی مردم نبستند و در اخبار معصومین نیامده است که مردم از قرآن بهره‌ای جز تلاوت ندارند.

حتی اگر این مطلب در برخی روایات آمده باشد، چون با خطوط کلی قرآن و نیز با خود سنت قطعی معصومین (علیهم‌السلام) در تضاد است، باید فهمش را به اهلش واگذاریم. اوصافی مانند «کتاب مبین»، «نور» و «تبیان کل شیء» که درباره قرآن آمده است، نه اختصاصی به معصوم (ع) دارد تا قرآن کریم برای دیگران دارای چنین اوصافی نباشد و نه ناظر به «مقام ثبوت» است تا قرآن در مقام اثبات دارای چنین صفاتی نباشد.

زیرا اوصاف مزبور، درباره کتاب هدایت است و

کتاب هدایت در مقام رهبری دارای چنین اوصافی است و مقام رهبری نیز اولاً عام است و اختصاصی به معصوم ندارد و ثانیاً ناظر به مقام اثبات است، نه ثبوت.

ظاهر آیه، یعنی «قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین» (مائده/۱۵) نیز خطاب به همه انسان‌هاست، بدون اختصاص به معصوم و هم در مقام هدایت است، نه مقام ثبوت. همچنین آیه ۱۷۴ سوره نساء و آیه ۸ سوره تغابن و ۱۵۷ سوره اعراف، همه در مقام ارشاد و ناظر به مقام اثبات هستند. البته «کتاب مکنون» که غیر از «مطهرون» به آن دسترسی ندارند، مرحله کمال و نهایی آن، چنان که قبلاً گذشت، اختصاص به اهل بیت طهارت (ع) دارد؛ چنان که «لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین» (انعام/۵۹) نیز از برخی جهات چنین است.

ممکن است انحصار فهم قرآن به معصوم (ع) از برخی روایات استظهار شود؛ نظیر آنچه از امام محمدباقر (علیه‌السلام) رسیده است: «انما یعرف القرآن من خطوب به» (وسائل الشیعه/۱۳۶/۱۸)، لیکن چنین برداشتی مخالف با ظاهر خود قرآن کریم است که همگان را به اموری مانند تدبیر، تحدی و تعقل دعوت کرده است و حدیثی که مخالف قرآن باشد، معتبر نیست.

پس مراد از این‌گونه احادیث چنان که گذشت، احاطه تام بر همه ابعاد قرآن اعم از ظاهر و باطن، مطلق و مقید، عام و خاص و ناسخ و منسوخ و نظایر آن است؛ چنان که خطاب‌های قرآن کریم نیز یکسان نیست، بلکه پیام و مضمون برخی از خطاب‌ها را تنها مخاطبان اصیل آن می‌توانند اکتفا کنند.

خداوند گاهی به عنوان «یا ایها الناس»، زمانی به عنوان «یا اهل الکتب»، گاهی به عنوان «یا ایها الذین امنوا» و زمانی به عنوان «یا اولی الابصار» و «یا اولی الالباب» و گاهی به عنوان «یا ایها الرسل» و بالاخره زمانی به عنوان «یا ایها الرسول» که مختص به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است، آیه نازل می‌کند و عناوین یاد شده یکسان نیست و استنباط‌ها نیز مساوی هم نخواهند بود.

یعنی استنباط جامع، کامل و اکتناهی معارف و احکام قرآن در انحصار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است که حق تماس با کتاب مکنون را دارند. بنابراین، مدعای ما این است که فهم قرآن کریم در حد تفسیر (و نه تأویل) و فهم ظواهر الفاظ آن میسر همگان است و نه تنها معصومین آن را به خود منحصر نساختند، بلکه مردم را به آن تشویق و ترغیب کردند.***

خوانندگان عزیز برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به «تفسیر تسنیم».

خداوند گاهی به عنوان

- «یا ایها الناس»
- زمانی به عنوان
- «یا اهل الکتب»
- گاهی به عنوان «یا ایها الذین امنوا»
- و زمانی به عنوان
- «یا اولی الابصار» و
- «یا اولی الالباب» و
- گاهی به عنوان «یا ایها الرسل» و بالاخره
- زمانی به عنوان «یا ایها الرسول» که
- مختص به رسول
- اکرم (صلی الله علیه و آله) است، آیه نازل
- می‌کند و عناوین یاد
- شده یکسان نیست و
- استنباط‌ها نیز مساوی
- هم نخواهند بود

